

قصه

زیباترین هدیه تولد

ندافیان یکی بود یکی نبود غیر از خدای مهربون هیچکس نبود. در جنگلی سرسبز و زیبا پروانه‌های زندگی می‌کرد. او دلش می‌خواست دوستان زیادی پیدا کند. روزی به جشن تولد خرگوشک دعوت شد. پس فکر کرد بهترین هدیه را برای خرگوشک آماده کند. همه جا را گشت اول خواست شاخه گلی به او بدهد اما این کار درست نبود و هیچ گلی حاضر نشد از دوستانش جدا شود و با پروانه برود. همانطور که همه جا را می‌گشت چشمش به خرسی افتاد. خرسی گفت خوش به حالت که به جشن تولد دعوت شدی. من با خرگوشک قهرم و البته او قهر کرده و من را دعوت نکرده. پروانه فکری به ذهنش رسید. بالاخره روز تولد خرگوشک فرا رسید و خرگوشک کادو دوستانش را دید و تشکر کرد. بعد نوبت کادو پروانه رسید پروانه گفت همه چشم‌هایتان را ببندید تا کادوی من را ببینید. همه با تعجب چشم‌هایشان را بستند آن وقت پروانه گفت حالا باز کنید. خرگوشک روبه‌روی خود خرسی را دید. خرسی با لبخند به خرگوشک گفت: تولد مبارک. پروانه به خرگوشک گفت این بود هدیه من. آشتی تو با خرسی. خرگوشک لبخند زد. خرسی هم لبخند زد و حیوانات برای آنها دست زدند. خرگوشک به پروانه گفت این زیباترین هدیه بود. خیلی دلم می‌خواست با خرسی آشتی کنم. آن روز پروانه توانست چند دوست جدید را به دوستانش اضافه کند. او اطمینان داشت می‌تواند دوستان زیادی داشته باشد.

بیاید زود بخوابیم

بچه‌ها سلام این روزها فصل امتحان است. بعضی از بچه‌ها شب‌ها دیروقت می‌خوابند چون به قول خودشان مشغول درس خواندن هستند. بچه‌ها هیچ می‌دانید کمبود خواب روی شما چه اثر نامطلوبی دارد. خواب مناسب و کافی در طول شب میزان رفتارهای بد را کاهش می‌دهد. حتی باعث می‌شود ضریب هوشی افزایش یابد و شما هنگام یادگیری راحت‌تر مطالب را بیاموزید. با برنامه‌ریزی صحیح می‌توانید خواب مناسب داشته باشید و هم به تکالیف و خواندن درس‌هایتان بپردازید. مراقب سلامتی خود باشید

دوست شما ماهک

دوست من سلام

چند روزی می‌شود که می‌خواهم یک چیزی را به تو بگویم اما خجالت می‌کشم چون من باعث شدم تو با مریم قهر کنی و فکر کنی که او پاک‌کن قشنگت را برداشته. راستش وقتی پاک‌کن تو را دیدم خیلی از آن خوشم آمد چه رنگ قرمز زیبایی داشت. من هم از همان پاک‌کن‌ها دلم خواست ولی تو حتی اجازه ندادی به آن دست بزنم. وقتی رنگ تفریح همه از کلاس بیرون رفتند متوجه شدم پاک‌کن زیر نیمکت افتاده. با کفشم محکم آن را پرتاب کردم و نمی‌دانم کجا افتاد. وقتی تو به کلاس آمدی رنگ املاتوجه گم شدن پاک‌کن شدی و فکر کردی مریم آن را برداشته من هم چیزی نگفتم. حالا که این نام را می‌خوانی اطمینان دارم من را می‌بخشی اصلاً با همدیگر کمک می‌کنیم تا پاک‌کن پیدا شود.

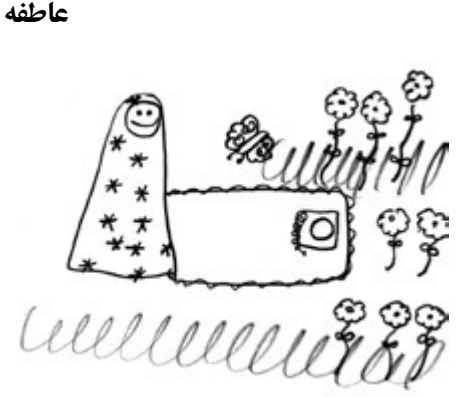
دوست پیشمان تو لیلا

چقدر شهر و محله خود را می‌شناسید؟

بچه‌ها سلام تا حالا حتماً نقشه شهرتان را دیده‌اید. روی نقشه چیزهایی مشخص شده مثل مراکز تفریحی، تاریخی و... آیا با این مراکز آشنایی دارید؟ نام چند مکان تفریحی شهرتان را می‌شناسید؟ نام چند مکان تاریخی شهرتان را می‌شناسید؟ در این مورد با دوستانتان صحبت کنید و برای آشنایی با نقشه شهر از بزرگتره‌ایتان کمک بگیرید.

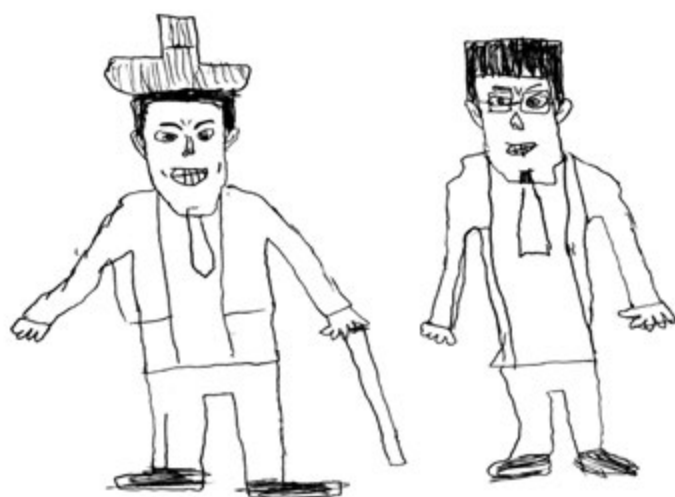
شعر

وقت اذان



وقت اذان هستم مثل کبوترها پر می‌کشد قلبم سوی مناره‌ها با سجده‌های من می‌روید از هر جا سوسن، گل شب‌بو زیباترین گل‌ها من با دعای خود می‌خواهم از یک دوست تا یاورم باشد می‌دانم او نیکوست پروانه با شادی پر می‌کشد دورم انگار گل هستم یک آسمان نورم

رادبه رزازان



مهری صفارزاده ۳ ساله



ثبتي و دادگستري

Table with 4 columns containing legal notices (آگهی) regarding land acquisition, construction, and other matters. Each notice includes details like location, area, and contact information.